

بسم الله الرحمن الرحيم
تدبر در قرآن

سوره مبارکه اعلی

استاد ضرابی اردیبهشت-خرداد ۱۴۰۰

جلسه دوم ۱۴۰۰/۳/۱

آیات شریفه: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱) الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲) وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳) وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (۴) فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (۵) - نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای (۱) همان که آفرید و هماهنگی بخشید (۲) و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود (۳) و آنکه چمنزار را برآورد (۴) و پس [از چندی] آن را خاشاکی تیره گون گردانید (۵)»

عنوان: اهتمام به تسبیح و تقدیس خدای تعالی

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) سؤال شد که تفسیر «سبحان الله» چیست ؟ فرمود: «هُوَ تَعْظِيمُ جَلَالِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) وَ تَنْزِيهُهُ عَمَّا قَالَتْ فِيهِ كُلُّ مُشْرِكٍ ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ صَلَّى عَلَيْهِ كُلُّ مَلَكٍ - تعظیم جلال خدای عزوجل است. و تنزیه خداست از هر چه هر مشرکی بگوید. پس وقتی که آن را بنده می گوید (سبحان الله) ، تمام ملائکه بر او صلوات می فرستند. یعنی از خدا برای او طلب رحمت می کنند» (مستدرک البحار، ج ۱۹، ص ۷)

دستور به تسبیح «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (در کنار تنزیه عام حق تعالی) به ما می گوید که پروردگار خود را تنها در حد آفریدگار عالم طبیعت نبینید؛ اگرچه طبیعت به عنوان محصول خلقت باری تعالی در عالی ترین و بالاترین مرتبه خود و بی نقص است؛ اما به هر حال عالم طبیعت نسبت به عوالم عالی وجود در نازل ترین مرتبه قرار دارد؛ باید بتوانید دائماً درک بالاتری از پروردگار اعلی داشته باشید.

کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست این قدر هست که بانگ جرسی می آید

وقتی به طبیعت و آفرینش الهی نظر می‌کنید و از هماهنگی و نظم دقیق «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى» و حکمت و اتقان صنع «وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» و نیز احسان و لطف و رحمت سرشار الهی «وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى» نسبت به بندگان، ایمان خود را جلا می‌دهید، توجّه داشته باشید که از مقصود و منظور خلقت غفلت نکنید و با دل نبستن به متاع فانی دنیا «فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى» به دنبال کسب معرفت و تقوا باشید تا از ساکنین عالی‌ترین منازل حیات و در اوج نعمت و رحمت حق در جوار ربّ رؤوف و در شمار مقربین از بندگان او قرار گیرید.

در قرآن کریم درباره عباد الرحمن می‌خوانیم: «يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» کسانی که در دل شب پروردگارشان را سجده می‌کنند. (فرقان/۶۴) «إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» - وقتی آیات خدا برای آنها تلاوت می‌شد، به سجده افتاده، گریه می‌کردند. (مریم/۵۸)

از امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) نقل است که فرمود: «مردی آمد خدمت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: علمی را به من تعلیم فرما که چون انجام دهم خدا و مخلوق مرا دوست بدارند. و مال من زیاد شود و بدنم صحیح باشد و عمرم طولانی شود و خدا محشور فرماید مرا با شما. حضرت فرمود: شش چیز خواستی که محتاج است به شش عمل و باید انجام دهی تا به مقصد برسی. اگر خواهی خدا تو را دوست بدارد، از خدا بترس و پرهیزکاری کن. و اگر خواهی مردم تو را دوست بدارند، پس احسان کن به ایشان و اعتنا به اموال آنان نکن. و اگر می‌خواهی مال تو زیاد شود، پس تزکیه کن آن را. و اگر می‌خواهی بدنت صحیح باشد، پس صدقه زیاد بده. اگر می‌خواهی عمرت طولانی شود پس صله رحم کن. و اگر می‌خواهی با من محشور شوی، پس طولانی کن سجده را در مقابل خدای یگانه.»

و نیز روایت است که آن حضرت در مسجد نشسته بودند. یک کسی وارد مسجد شد و شروع به نماز خواندن کرد. رکوع و سجودش را ناقص و شکسته خواند. پیغمبر نگاهی به رکوع و سجود آن مرد انداخت و فرمود: «نَقَرَ كَنَقَرِ الْغُرَابِ لِنِئِ

مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي - مثل کلاغ به زمین نوک زد. اگر این فرد با این مدل نماز بمیرد، به دین ما نیست. « (کافی، ج ۳، ص ۲۶۸)

نفسی وجود دارم که تو را سجود آرم
تو بگفتیم که دل را ز جهانیان فروشو
که سجود توست جانا دعوات مستجابم
دل خود چگونه شویم چو ببرد هجرت
آبم

عنوان: سیر انفسی و معرفت پروردگار علیّ اعلی

در معارف قرآنی مؤمنان باید با نظر کردن به طبیعت و خلقت موجودات، پروردگار خود را ببینند نه جماد و نبات و حیوان و انسان و زمین و آسمان «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهَ الْحَقُّ - ما آیات خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که خدا حق است» (سوره فصلت، آیه ۵۳) زیرا همه آیت‌اند و در آئینه وجود خود او را نشان می‌دهند.

در سجده، مؤمن برای زمین و آسمان و انسان و حیوان و غیره سجده نمی‌کند، تنها و تنها خداوند یگانه را تسبیح و تنزیه می‌کند. اما این تسبیح و تنزیه وقتی حقیقت پیدا می‌کند که علاوه بر آنچه انسان بر زبان جاری می‌کند، بتواند توجه خود را از غیر او بردارد؛ تمام قوای ادراکی او عقل و قلب و خیال و همه چیز، برای او سجده کند.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «شب نیمه شعبانی فرا رسید، رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در آن شب در خانه عایشه بود، چون شب به نیمه رسید از بستر خود برای عبادت برخاست، هنگامی که عایشه بیدار شد، دریافت که پیامبر از خوابگاه خویش بیرون رفته، وی را همچون اغلب زنان وسوسه گرفت، گمان کرد آن حضرت نزد همسر دیگری از همسرانش رفته؛ از جای برخاست و چادرش را بر خود پیچید و سوگند به خدا که چادر او از ابریشم و کتان نبود، تارش از مو و پودش از کرک شتر مایه داشت، حجره به حجره در حجره‌های زنان رسول خدا جستجو می‌کرد، در این میان که در جستجوی آن حضرت بود، ناگهان نگاهش به رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) افتاد که مانند جامه‌ای بر زمین

چسبیده و در حال سجده است، به نزدیک آن حضرت رفت، شنید در سجده‌اش می‌گوید: سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخِيَالِي، وَ آمَنْ بِكَ فُؤَادِي، هَذِهِ يَدَايِ وَمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي، يَا عَظِيمُ تُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ. همه هستی و اندیشه‌ام برایت سجده کرد و دلم به تو ایمان آورد، این است دستانم و آنچه بر خود جنایت کردم ای بزرگی که برای هر کار بزرگی به او امید است، از من گناه بزرگ را بپارم، زیرا گناه بزرگ را جز پروردگار بزرگ نمی‌آمرزد. سپس سر مبارک خویش را از سجده برداشت و دوباره به سجده برگشت، عایشه شنید که آن حضرت می‌گوید: أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَانْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنْ فُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَفِيًّا وَمِنْ الشَّرِكِ بَرِيئاً لَكَافِراً وَلَا شَقِيًّا. پناه می‌آورم به نور ذاتت که آسمان‌ها و زمین‌ها برای آن روشن شد و تاریکی‌ها با آن برطرف گشت و با آن کار گذشتگان و آیندگان اصلاح شد، از فرا رسیدن عذاب نابهنگامت و از دگرگونی عافیت و از نابود شدن نعمت. خدایا! دل باتقوا و صفا یافته و بیزار از شرک، نه کافر و بدبخت، روزی من گردان. سپس دو طرف روی خود را بر خاک نهاد و گفت: عَفَرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ وَحَقَّقَ لِي أَنْ أَسْجُدَ لَكَ. روی خویش را به خاک ساییدم و مرا سزا است که تو را سجده کنم. آنگاه که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خواست به اطاق برگردد، عایشه با شتاب به جانب بستر خویش رفت و هنگامی که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به خوابگاه خویش آمد، شنید که عایشه بلند نفس می‌زند؛ فرمود: این نفس بلند زدن چیست؟ آیا ندانستی که امشب چه شبی است؟ این شب نیمه شعبان است که در آن روزی‌ها تقسیم می‌شود و زمان مرگ اشخاص ثبت می‌گردد و نام کسانی که باید به حج بروند نوشته می‌شود، به‌درستی که خدای تعالی می‌آمرزد از میان خلق خود بیش از عدد موهای بُزهای قبیله کلب را و در این شب خدای تعالی فرشتگان را از عالم بالا به‌سوی مکه در زمین می‌فرستد.» (زاد المعاد ج ۱ ص ۵۸)

زاده‌تان نیست احمد در جهان	صد قیامت بود او اندر عیان
زو قیامت را همی پرسیده اند	کای قیامت! تا قیامت راه چند
با زبان حال می‌گفتی بسی	که ز محشر حشر را پرسد کسی

پس قیامت شو قیامت را ببین دیدن هر چیز را شرط است این

عنوان: فنای همه موجودات در اسم رب

آیه شریفه « سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى » به فرمان الهی ذکر سجده در نماز گردیده است « سبحان ربی الاعلی و بحمده » و از مهمترین ارکان نماز شمرده می‌شود. در حدیث پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است: «... الصلاة تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس و قول و دعوة - ... نماز هم تسبیح است و هم تهلیل و هم ستایش و هم تکبیر و هم تقدیس و هم گفتار است و هم خواستن» (بحار ، ج ۷۹ ، ص ۲۳۲)

به تعبیر امام خمینی نماز «معجون الهی» و «حبل متین» است: « اگر روزگار به عارفی ربانی مهلت دهد، می‌تواند تمام منازل سائرین و معارج عارفین را از منزلگاه یقظه تا اقصای منزل توحید از این معجون الهی و حبل متین بین خلق و خالق خارج کند (تحصیل کند) ». (اسرار نماز، ص ۵۷)

ارکان نماز از نظر امام راحل سه چیز است « بدان که عمده‌ی احوال صلوة سه حال است که سایر اعمال و افعال مقدمات و مهیئات آن است، اول، قیام و دوم رکوع و سوم سجود. » (آداب الصلوة، ص ۳۵۰)

در سرّ سجود فرموده‌اند: « سجده نزد اهل معرفت و اصحاب قلوب، چشم فرو بستن از غیر و رخت بر بستن از جمیع کثرات حتّی کثرات اسماء و صفات و فنای در حضرت ذات است و در این مقام، نه از سمات عبودیت خبری است و نه از سلطان ربوبیت در قلوب اولیاء، اثری و حق تعالی خود در وجود عبد، قائم به امر است. » (اسرار نماز، ص ۱۰۶)

در آیه شریفه « فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَخْوَى » بعد از بیان « خَلَقَ فَسَوَّى » و « قَدَّرَ فَهَدَى » و « أَخْرَجَ الْمَرْعَى » یعنی پوشش سبز و زیبایی طبیعت و موجودات زنده بر روی آن را خاشاکی تیره گون ساختن، آن هم پس از آن همه هماهنگی و نظم دقیق ، حکمت و اتقان صنع و احسان و لطف و رحمت سرشار، همگی بازگو کننده حکایت دقیق و جهان شمول « كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ » است که در طبیعت خود را این‌گونه نشان می‌دهد، در نماز

به‌گونه‌ای که امام راحل فرمود، در برزخ و قیامت نیز هر یک به گونه خود که تفصیل آن در احادیث نفخ صور آمده است.

این سبب ها بر نظر چون پرده هاست که نه هر دیدار صنعتش را سزاست
دیده ای باید سبب سوراخ کن تا حُجُب را بر کند از بیخ و بن
تا مسبب ببند اندر لا مکان هرزه ببند جهد و اسباب و دکان

عنوان: باید بتوانی مانند قطره‌ای در دریا خود را فراموش کنی

اگر به زندگی خود دقیق‌تر نگاه کنیم، خواهیم یافت که ما در هر روزی که از زندگی‌مان می‌گذرد در تثبیت خود و هویت و شخصیت خود، بیشتر تلاش می‌کنیم. جسم من، روح من، علم من، اخلاق من، همسر و فرزندان و خانه من، شغل من، اعتبار من، عبادت من و ... در حالیکه مکرر خوانده‌ایم خودبینی، خودپسندی، خودخواهی، راه و روش شیطان است که خداوند به او گفت « مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ - (اعراف/ ۱۲) » و این نیز در حالی است که خداوند از ما پیمان گرفته است شیطان را عبادت نکنید. « أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ - (خطاب آید) ای آدم زادگان، آیا به شما سفارش ننمودم که شیطان را نپرستید، زیرا روشن است که او دشمن بزرگ شماست؟ (یس/ ۶۰) »

امام جعفر صادق (علیه السلام): « قَالَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ إِذَا اسْتَكْمَنْتُ مِنْ ابْنِ آدَمَ فِي ثَلَاثٍ لَمْ أَبَالِ مَا عَمِلَ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ مِنْهُ! ... إِذَا اسْتَكْثَرَ عَمَلُهُ وَ نَسِيَ ذَنْبَهُ وَ دَخَلَهُ الْعُجْبُ - شیطان ملعون می‌گوید: من اگر این سه خصلت را در آدمیزاد محکم و استوار کردم دیگر برایم مهم نیست اعمال دیگرش چه باشد چون مسلماً قبول نخواهد شد! : وقتی عمل خوب خود را بزرگ ببیند، و زمانی که گناهانش را فراموش کند و هنگامی که گرفتار عجب و خودپسندی گردد» (خصال، ج ۱، ص ۵۵)

اما در چگونگی نجات از دست شیطان، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ثَلَاثَةٌ عَصِمُوا مِنْ إِبْلِيسَ: الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَ الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ - این سه دسته از اغوای شیطان در امانند: کسانی که

همواره در ذکر و به یاد خدا هستند، کسانی که از ترس خدا گریه می‌کنند و کسانی که در سحرها (در نماز شب) از گناهان استغفار می‌نمایند» (جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷۵)

گفت شیطان که بما اغویتنی	کرد فعل خود نهان دیو دنی
گفت آدم که ظلمنا نفسنا	او ز فعل حق نَبُد غافل چون ما